

گفتار دکتر مصدق در اثبات بیگانه خواهی فروغی (۱)

«دکتر مصدق - بنده هیچ نمی خواستم که روزی در مقابل پروگرام کابینه حضرت آقای مستوفی الممالک ذره ای مخالفت نمایم ولی متأسفانه تشکیل این کابینه از ابتداء طوری شده که بنده با آن موافق نبودم و اکنون هم در پروگرام آن نمی توانم موافقت نمایم، پروگرام یعنی تعیین خط مشی، پروگرام یعنی پیش بینی امور مفید و ممکن الاجرا، هیچ پروگرامی قاعدتاً بد نوشته نمی شود ولو اینکه پیشنهاد کننده نیت خوب نداشته باشد. بلکه معمولاً پروگرامها پر از مواد مشعشع و درخشان است. لذا بنده به پروگرام آنقدر اهمیت نمی دهم و در مجریان آن قضاوت می نمایم. اگر پروگرامی عالی نباشد، چنانچه مجریان مواد آن متخصص و صلاحیت داشته باشند، نتیجه فوق مطلوب خواهد شد، برخلاف، اگر پروگرامی، از آن بهتر نباشد، ولی مجریانش بصیرت و صلاحیت نداشته باشند، اجرای آن مفید واقع نمی شود و گاه برخلاف مطلوب نتیجه می بخشد.

در ممالک خارجه هر وقت وضعیات فوق العاده است، کابینه دولت از اشخاص مختلف المسلك تشکیل می شود. تا اینکه نظریات احزاب سیاسی در یک جا مرکزیت یافته و به واسطه اجتماع نمایندگان قواء مختلف اجرای پروگرام سهل و مملکت از بحرانهای سیاسی نجات یابد. ولی دیده نشده که کابینه از اشخاصی تشکیل شود که بعضی به بقاء و تعالی مملکت عقیده مند بوده و بعضی نباشند، معلوم نیست که در چنین کابینه ای مسئولیت مشترک چگونه محفوظ و پروگرام چطور اجرا می شود؟ کدام یک از این دو دسته نظریات دیگری را تعقیب می نمایند؟ در جلسه قبل بنده می خواستم که عدم موافقت خود را نسبت به دو نفر از اعضاء این کابینه آقای وثوق الدوله و آقای فروغی عرض نمایم.

۱- این سخنرانی در دوره ششم مجلس شورای ملی و به هنگام اوایل قدرت یافتن سردار سپه در رد صلاحیت محمد علی فروغی برای وزارت جنگ صورت گرفته است. آن زمان خود فروغی از مجلس غایب و در اروپا برای جلب نظر احمد شاه جهت استعفا از سلطنت به سر می برده است.



آقای فروغی که به سمت وزارت جنگ معرفی شدند، مرتکب اعمالی شده‌اند که بعضی را در موقع عرض می‌کنم و در این جلسه فقط به دو مراسله که مطابق اطلاعات من به سفارتخانه‌های دول مجاور نوشته‌اند می‌پردازم.

اول مراسله‌ای است که به سفارت دولت شوروی نوشته^(۱) و موافقت خود در قضاوت دعاوی اتباع آن دولت در اداره محاکمات وزارت خارجه اظهار نموده. و بعبارة اخیری عهدنامه ترکمنچای و برقراری کاپیتولاسیون را تجدید نموده است.

(نمایندگان: هیچ قبول نیست، بی ربط صرف است). بی مناسبت نیست عرض کنم در پنج سال قبل وقتی که بنده به خدمت وزارت مالیه مفتخر شدم، اجازه‌نامه‌ای دیدم که بر طبق تصویب نامه هیئت وزراء وقت، تجارتخانه دولت شوروی می‌خواست بانک استقراسی روس را، که در آن ایام بر طبق عهدنامه به دولت ایران رسیده بود، ماهی پانصد تومان اجاره نماید، بنده از امضای آن خودداری نموده و در جواب سؤال نماینده مختار گفتم که: تصرف بانک ممکن است موجب سوء تفاهم شده و مردم چنین تصور کنند که عهدنامه ایران و روس فقط در باغ سبزی است که می‌خواسته قبل از تمام دول باب شناسائی و روابط را با ایران باز بنمایند. چون نماینده مختار شخصی منصفی بود، تجدید تقاضا نکرده و قضیه را بلا تکلیف گذاشت. حال معلوم می‌شود که مطلب همانطور هائی است که گفته شده. زیرا بعضی از فصول این عهدنامه اجرا نشده و در بعضی هم مکاتباتی شده، از آن جمله مراسله‌ای است که عرض شد.

سابقاً هر وقت در خصوص کاپیتولاسیون مذاکره می‌شد می‌گفتند که چون ایران قانون جزائی دولتی ندارد دول مسیحی نمی‌خواهند اتباع خود را تسلیم قضات محاکم شرع کنند و متعذرند که در این قبیل محاکم به واسطه احساسات مذهبی ممکن است بیطرفانه حکومت نشود، حال می‌بینم که بعد از انعقاد عهدنامه ایران و روس با اینکه قانون جزا تصویب نشده بود روسها به نسخ کاپیتولاسیون راضی شدند، ولی در کابینه فروغی با اینکه قانون جزا هم از

۱- بعداً سفارت شوروی این مراسله را تکذیب کرد.



کمیسیون قوانین عدلیه گذشته بود از فروغی نوشته برقراری کاپیتولاسیون گرفته‌اند. (نمایندگان: هیچ مربوط نیست و هر کس کرده است بیجا کرده است).

دویم مکاتبه‌ای است که فروغی با سفارت انگلیس نموده^(۱) و در آن قریب بیست کرویر تومان دعاوی آن دولت را نسبت به ایران تصدیق کرده است. حقیقت چقدر معامله خوبی است که بعضی برای اختناق و فروش ایران پول بگیرند و آقای فروغی اصل را با فرع تصدیق نماید (عراقی: این کاغذ پنجره است). در سایر ممالک و زیرها به هیچ سفارتی مکاتبه نمی‌کنند و به هیچ سفارتی سند نمی‌دهند مگر اینکه بعد از تصویب مجلس باشد، متأسفانه در این مملکت فروغی و امثالش اول ممضی این قبیل نوشتجات می‌شوند تا بعد مجلس تصویب نماید. بعبارۃ الاخری، اول ریش دولت را بدست می‌دهند تا بعد ریش ملت هم بدست آید.

فروغی چون تصور می‌نمود که وزراء کابینه‌اش موافقت ننمایند، مطابق اطلاعات من، این نوشتجات را بدون اطلاع آنها صادر نموده. (چند نفر: صحیح است) چنانچه غیر از این است آقایان نمایندگان که در کابینه ایشان وزیر بوده و امروز در مجلس حاضرند تکذیب فرمایند، چی سبب است که فروغی تا این درجه در خیانت تجاهر نماید؟ به عقیده بنده جهل آن کسانی که مدعی تجدّدند و از آن بوئی به مشامشان نرسیده و رویه و رفتار آن اشخاصی که به وطن خواهی و مملکت دوستی معروفند ولی امتیازی بین فروغی و غیر او نمی‌گذارند.

پس جهل است که ما را اسیر می‌کند و این رویه است که خادم را بیچاره و مایوس می‌نماید و الا به فروغی می‌گفتم هیچکس نمی‌تواند اسلام را با غیر اسلام در شرایط

۱- این موضوع مورد تکذیب واقع نشد و حقیقت داشته است و این مبلغ پولهایی بوده که انگلیسها مقداری از آن را در موقع جنگ در ایران خرج کرده بودند و مقداری هم از بابت قرارداد و غیره داده شده بود.



غیر متساوی بگذارد و به این معنی که اگر مسلمی در روسیه خلاف نمود، روسها او را به دار زند ولی اگر یک روسی در ایران عملی مخالف قانون اسلام نمود محاکمات وزارت خارجه در دفتر خود یادداشت نموده و او را به روسها که به قانون شرع عقیده ندارند تسلیم کنند که در روسیه هر طور خواستند رفتار نمایند، چون ما نمی‌خواهیم نه فرمایش رسول خدا را اجرا نمائیم که می‌فرماید *الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ* و نه تشخیص امر را از نظر قوانین بین‌المللی داده و در نتیجه حیثیات اسلام و ایران را حفظ کنیم.

فروغی را بعد از این اعمال در رأس قواء دفاعیه مملکت قرار می‌دهیم که با این عقیده حافظ و مدافع مملکت باشد و در آتیه صلاح خود را در این رویه و رفتار بداند و اگر دفعه دیگری به ریاست وزراء رسید آخرین چوب حراج را زده باشد (زوار: فروغی باید تسلیم دار مجازات شود). کما اینکه از اول عصر جدید ایران تا کنون فروغی به واسطه همین اوصاف ضرری ندیده و همیشه در کار بوده و بلکه گاهی هم مثل امروز غیر از وزارت، یکی دو کار دیگر، ریاست دیوان تمیز و ریاست مدرسه حقوق را ذخیره نموده که اگر از مقام وزارت کناره جوئی کرد باز مملکت از آثار وجودیه ایشان مستفیض شود! (صحیح است).

مکاتبات فروغی چون مخالف عهدنامه ایران و روس و برخلاف قانون اساسی است بنده به آنها وقعی نمی‌گذارم. (نمایندگان صحیح است). *وَ كَأَنَّ لَمْ يَكُنْ* می‌دانم. فقط از آقای رئیس الوزراء سؤال می‌نمایم که آیا آدم بیکار صحیح العمل، وطن دوست در مملکت نیست که باید فروغی در مسافرت هم وزیر بوده ^(۱) و از حیثیات این مقام استفاده نموده و حقوق آن را دریافت نماید؟ آیا این رویه مشوق خیانت نیست و آیا این طریقه وطن خواهان را مأیوس نمی‌نماید؟ ^(۲)

۱- در این موقع فروغی به اروپا رفته بود که به هر وسیله‌ای هست استعفا نامه سلطان احمد شاه را بگیرد یا به هر قیمتی شده خریداری نماید.

۲- زندگانی سیاسی احمد/۵۲-۱۵۰، حسین مکی، انتشارات امیرکبیر.

این است دیدگاه، تحلیل و گواهی فرد سیاستمداری مانند دکتر مصدق درباره محمد علی فروغی که با استناد و آشکارا او را یک فرد خائن به ایران و اسلام و عامل و حافظ منافع بیگانه معرفی می‌کند. با این حال خوب است خوانندگان محترم به منابع و مراجع مربوطه مراجعه کرده و اظهارات و نوشته‌های «افاضل» دست پرورده فروغی را درباره او ببینند و تعجب کنند که چگونه افرادی مانند مجتبی مینوی، عیسی صدیق اعلم، غلامعلی رعدی آذرخشی، ابراهیم خواجه نوری و امثال اینان، او را با عبارات بی محتوا و کاذب ستوده و نه تنها خادم ایران بلکه بعضاً "ناجی ایران نیز نامیده‌اند!"^(۱)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- برای مطالعه دیدگاه‌های ترویجی و طرفدارانه این قبیل نویسندگان به منابع ذیل رجوع شود:
نقد حال ۵۰/ - ۵۳۵، چهل گفتار/ ۱۱۱ از عیسی صدیق انتشارات دهخدا، مجله وحید سال ۹ شماره یازدهم صفحه ۱۶۳۶، و نیز همان مجله شماره ۹ صفحه ۱۳۱۰ به بعد، مردان خود ساخته/ ۱۳۶ بی‌بعد به قلم ابراهیم خواجه نوری، انتشارات جاویدان، مجله وحید سال ۹ شماره هشتم صفحه ۱۳۰۹ بی‌بعد، شخصیت‌های نامی ایران/ ۳۷۵ محمد رضا زهتانی، سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران/ ۳۶۳ به بعد تألیف سید حسن سادات ناصری، انتشارات خرمی ۱۳۵۳.



پڙو، شڪاھ علوم انسانی و مطالعات فریبگی
پرتال جامع علوم انسانی